

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمی از همکاران قلمی

۱۹ نومبر ۲۰۲۲

## ولایت های افغانستان در مسیر تحولات اجتماعی – اقتصادی

(۶)

### تولید غلات و حبوبات در هرات

پس از یک دوره کوتاه خودکفائی تولید گندم در اوائل دهه هفتاد میلادی (مثلاً در سال ۱۳۵۳ش و سال های پس از آن)، در چهار دهه اخیر که عوامل آن برای هموطنان هویداست، تولید گندم در افغانستان سیر نزولی داشته و همه ساله در کشور پنج میلیون تن گندم تولید می شده که بین ۲۰ الی ۳۰ فیصد احتجاجات داخلی را برآورده می ساخته است. حدود هفتاد فیصد آن از خارج وارد می گردید و دست نیاز فعلی مردم کشور به گندم وارداتی همچنان دراز است. علت آن مزید بر شرایط بد اقلیمی، به عوامل متعدد عدم استفاده از دانش، تکنیک و روش های عصری زراعت، وابسته است. این عدم استفاده بهینه از عوامل تولید، زاده سیستم های سیاسی (اقتصادی – اجتماعی) فاسد و ناکارای ستمگر ارتجاعی، بی اراده و بی برنامه بوده است. این نظام ها خود به مثابه عامل اساسی عقب ماندگی تولید و استثمار دهقانان و پیشه وران، در چپاولگری، کشت و کشتار مشغول بوده اند و از زحمتکشان کشور به هیچ صورتی حمایت نکرده اند. در طی دهه های اخیر کشت و زرع گندم به طور عمده با وسائل و روش های ابتدائی صورت گرفته است. دهقانان کشور با همان گاو، اسب و خر زمین را شیار زده و خرمن کوبی کرده اند. علاوه از عوامل مخرب جنگ، زارعان کشور به دلیل کم آبی های متواتر که از چندین سال به این طرف به آن مواجه بوده اند، حاصلات کمی را به دست آوردند.

و اما در هرات در دو صد هزار هکتار زمین به مقدار دو صد و هشتاد الی سیصد هزار تن متریکی در سال، گندم، جو، جواری، ارزن و برنج برداشت می شود که پائین ترین و ناچیز ترین سطح تولیدات به تناسب ولایت های همجوار کشور های همسایه است. امروز صاحبان مزارع بزرگ به دلیل قیمت ارزان غلات و حبوبات کشور (زمان نوشتن این نگارش به قبل از بحران جاری مواد غذایی می رسد)، به جای آن کشت های مناسبی که جیب شان را پر کند، از جمله زعفران، باغ های بزرگ انگور و سائر کشت های درآمد زا مثل کونکار و چرس را کشت و زرع می کنند و حاصل خوبی را از مزد دست پرآبله کارگر به دست می آورند.

به همین ترتیب، در بخش تولید سائر میوه ها بدون انگور، در هرات تولید میوه های خشک بین ۵۶۰۰۰ الی یک صد هزار تن در سال می رسد که علاوه از مصرف داخلی در بازار های محلی، توسط تجار خون آشام به قیمت ارزان از تولیدکنندگان جزء یا متوسط و بزرگ خرید شده و به خارج صادر می گردد.

تولید شیر و مشتقات شیری در هرات تا سرحد خودکفائی رسیده و روزانه تا یکصد و ده تن شیر در هرات تولید می گردد. در هرات بیش از یکصد فارم گاو داری وجود که هر فارم گاوداری از ده تا ۲۵۰ رأس گاو می داشته باشد و هر گاو از بیست و پنج الی چهل کیلو شیر در یک روز می دهد. همچنین در تولید گوشت گاو در فارم های گاوداری گام های مؤثری برداشته شده است. تا قبل از سپردن قدرت از دولت پوشالی خیانت ملی غنی به گروه مزدور و فاشیست طالبان و تبدیل نام آن از "جمهوریت" به "امارت اسلامی" توسط امپریالیست های اشغالگر و جنایتکار امریکا - ناتو، افغانستان از بابت گوشت کاملاً خودکفا بوده و از افغانستان به ایران و پاکستان گوسفند و گاو قاچاق و یاهم گوشت آن صادر می گردید.

تولید گوشت در هرات: ۱۸۰۰۰ الی بیست هزار تن در سال.

فراموش نشود که ایجاد فارم های کوچک، متوسط و بزرگ گاوداری به منظور تولید شیر و گوشت در هرات یا سائر نقاط کشور، به شکل سنتی در قالب اقتصاد خودکفای نیمه فئودالی راه اندازی نشده است. بعکس، ایجاد این فارم ها به گونه سرمایه گذاری در این بخش به شکل تولید کالائی برای عرضه در بازار منظور کسب سود و با مناسبات استثماری و نابرابر میان کارگران و کارفرمایان هر فارم، صورت گرفته است. در این مناسبات استثماری میان کارگر و کارفرما در غیاب قوانین حمایت از کار و کارگر، کارفرما با نرخ استثمار بالا، از کارگران می خواهند تا ارزش اضافی بیشتری تولید کنند.

پشم کرک در سابق رونق خوبی داشت که سالانه ۲۰ هزار تن در سال پروسس و به خارج صادر می شد. متأسفانه در این سال های اخیر سیر نزولی خود را پیموده و کدام توجه در زمینه صدور آن به خارج از جانب حاکمیت وابسته به امپریالیست های اشغالگر غربی صورت نگرفته است.

### **پوست گاو و گوسفند:**

بیش از پنجصد هزار جلد پوست گوسفند و گاو در هرات به دست می آید و با قیمت ناچیزی به فروش می رسد. پوست گاو و گوسفند غیرقانونی به پاکستان صادر می گردد و بعد از پروسس، چرم آن به قیمت گدافی به نام چرم پاکستانی به افغانستان و سائر کشورها صادر می شود. در سال های پسین یک جلد پوست گاو به دو هزار افغانی به فروش می رسید. فعلاً بین هفتصد الی ششصد افغانی به فروش می رسد. صنعت دباغی در هرات به شکل ابتدائی است و به همان شکل ابتدائی پروسس می شود. کارخانه پروسس پوست در شهرک صنعتی به سرمایه چند میلیون دالر (حاصل چه نوع انباشت؟) به کار آغاز کرد، ولی مدتی نشد که از فعالیت باز مانده و کنار رفت.

### **نباتات طبی در هرات:**

در نواحی هرات نیز، نباتات طبی مثل سائر ساحه های کشور بسیار فراوان می روید. سالانه هزاران تن شترین بویه، کنجد شیرشم، زیره سبز به نام کرابیه، زیره سیاه و خشخاش، خاکشیر و... در ولسوالی های ادرسکن، اوبه، چشت، غوریان، کوشک و غیره تولید و به خارج صادر می گردد. شیرخشت، گندل و سائر نباتات طبی را به صورت ابتدائی مردم زحمتکش محل و منطقه از دشت و دمن و کوه ها به دست می آورند و دلالان و معامله گران بازاری به قیمت ناچیزی آن را از پیش شان می دزدند و به قیمت ده برابر به خارج صادر می کنند. این قسم نباتات طبی در هرات ده ها هزار تن می رسد که سالانه دلالان صادر کننده از مدرک آن بیش از پنجاه میلیون دالر عاید می گیرند. قرار گزارش های خبری، در سی هزار هکتار زمین نباتات طبی کشت می شود که اکثراً تاجران زالو صفت صادرکننده

کشت و زرع آن را توسط کارگران زراعتی روزمزد در ازای مزد ناچیزی، به پیش می برند. به همین قسم در تمام ولایت های افغانستان این نباتات کشت و زرع و صد ها هزار تن آن به خارج صادر می گردد. بدین وسیله تجار استنمارگر با ربودن حاصل کار زحمتکشان زراعتی در بخش های تولید، پراسیس، بسته بندی و باربندی، به شکل ارزش اضافی از کار مولد زحمتکشان به سرمایه تجاری تخصیص یافته در این بخش تجارت (صدور) این اقلام، می افزایند.

### جنگلات طبیعی:

هرات دارای ۸۸۲۹۰ هکتار جنگلات طبیعی، ۱۰۸۶ هکتار جنگلات مصنوعی است. بیش ترین جنگلات بادغیس و هرات زیر پوشش درختان پسته است. سالانه در حدود بیست هزار تن پسته از این جنگلات به دست می آید. پسته هرات شهرت جهانی داشته و اکثراً تاجران را واداشته است تا باغ های بیشتری را با غرس نهال پسته ایجاد کنند. قرار گزارش های خبری، سی هزار هکتار زمین در این اواخر در هرات باغ های پسته ساخته شده است و در کل در افغانستان به شکل طبیعی چهار صد و پنجاه هزار هکتار زمین جنگلات پسته می باشد. بیشتر این جنگلات از اثر جنگ های چهل و سه ساله و شرایط بد اقلیمی صدمه دیده است و قسماً تخریب و از حاصلدهی باز مانده است. سالانه بیش از صد هزار تن پسته به خارج از کشور صادر می گردد که شرایط نابرابر خرید آن از زحمتکشان محلی توسط تجار استنمارگر مثل سائر اقلام پیشگفته است. ضمناً باید تذکر داد که طی چندین سال گروه طالبان و بخشی از جنگ سالاران از برداشت و محصول پسته در جنگلات هرات و بادغیس با زور تفنگ شان استفاده کرده و از مدرک فروش محصول غصب شده آن پول هنگفتی را به جیب می زنند و مردم را از حق پسته زدن "شول" محروم می کرده اند.

ولایت هرات دارای ۲۵۶۹۴۴ هکتار ساحه چراگاه و مراتع برای دامپروری است که کوچی ها در فصل های مناسب از آن استفاده می کنند؛

در مربوطات ولایت هرات به تعداد ۲۲۰۰ فارم مرغداری؛ بیش از صد فارم گاو داری صنعتی، ۱۷۱ فارم زنبور داری؛ ۳ فارم ماهی پروری؛ ۳ فارم بیله وری؛ ۹ فارم تحقیقاتی؛ ۱۰۴ شرکت خدمات و تولیدات زراعتی موجود است.

در کل، بیش از یک میلیون از دهقانان فقیر و کارگران زحمتکش زراعی در مجموعه از زمین های زراعتی، باغ ها و دامداری و غیره به طور روزمزد مشغول کار بوده و با شرایط بد زندگی طبقاتی توأم با استثمار و انواع ستم دست و پا می زنند.

تعداد زمیندارانی که بیش ترین زمین های زراعتی را در هرات تصاحب کرده اند، به ۴۱۰۲۰ نفر می رسد. این تعداد زمیندار در حدود ششصد هزار دهقان فقیر و کارگران زحمتکش زراعتی را در گرو خود دارند که در مزرعه های شان به طور روزمزد و یا هم به اشکال دیگری استثمار شده و در شرایط بدی مشغول کار اند. ۶۵ فیصد دهقانان بی زمین و کم زمین هستند که توانای و دسترسی به زمین های زراعتی را ندارند و یا هم حداکثر صاحب یک هکتار زمین هستند که صرف در حد بخور و نمیر است. این عده زحمتکشان در معرض ستمگری و قیودات فئودالان و کمپرادوران غارتگر و باج و خراج های کمر شکن طالبان به نام عشر و زکات جان می کنند. بیش ترین زمین های زراعتی را همین طیف به شمول طالبان غصب و قبضه کرده اند و به دسترس شان قرار داشته و دهقانانی را به شکل اجاره ئی و یا هم به عنوان بزرگر و کارگر روزمزد با مزد کم استثمار می کنند. شش میلیون نفوس هرات دهقانان و زحمتکشان اند که شامل مهاجران از ولایات همجوار هم می شود که از اثر جنگ ویرانگر اشغالگران و ستم باند های تبهکار طالبی و

داعشی و زورگویان جهادی، در ساحات ولایت هرات متوطن شده اند. چهل فیصد این نیرو های جوان و زحمتکش در کشور ایران مصروف کار های شاقه هستند و متباقی تا قبل از ختم اشغال امپریالیستی کشور و سقوط دولت مزدور غنی، در دو طرف جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی من حیث سرباز استخدام می شدند و گوشت دم توپ امپریالیسم و ارتجاع قرار می گرفته اند. پس از آورده شدن مزدوران طالبان بر سریر "امارت اسلامی" توسط امپریالیست های متجاوز با ستراتیژی جنگی شکست خورده، فاشیست های طالبان به دستور و با استفاده از تجارب سازمان های استخباراتی بیرونی اعم از سیا و آی اس آی، برای بومی ساختن جنگ و سرکوبگری در هر ولایت کشور به شمول هرات، کوشیده اند با مغزشوئی عده ئی و خریدن فقرای شهری یا روستائی بیکار و بی روزگار، از تعدادی از این زحمتکشان فقیر در امور نظامی، امنیتی و سرکوب مخالفان کار بگیرند.

کشت و زراعت و مالداری در هرات و پنج ولایت همجوارش خصوصاً در ولایت های غور و بادغیس، کاملاً زیر سؤال رفته است. صرف آنهم ده فیصد از مزارع آبی و یا هم للمی تحت کشت و کار قرار گرفته و متباقی در جریان جنگ های ارتجاعی تحمیلی به کویر های سوخته ای مبدل شده است. آن عده از دهقانان کم زمین که با کار و زحمت شبانه روزی توانستند با دست توانای خود و به قدرت و همت افغانی خود با وجود تمام مشکلات و مصائب وارده از جانب جنایتکاران در سر مزرعه خود بمانند و به کشت و زرع بپردازند، محصول شان به نازل ترین قیمت از زعفران گرفته تا حبوبات، میوه ها، سبزی ها و محصولات حیوانی عرضه می شود. در فصل برداشت حاصل، نظام های مرتجع و مزدور پوشالی اعم از کرزی، غنی - عبدالله و رئیس الوزرای نامنهاد طالبی دهقانان را حمایت نکرده اند. با نبود امکانات نگهداشت میوه و سبزی، و عدم حمایت دولت از تولیدات زراعتی، اجباراً برداشت حاصل خویش را سر فصل به ارزان ترین قیمت در بازار عرضه می دارند. در دو سه سال پسین دهقانان و باغداران هرات به طور مثال چهار کیلو پیاز را به قیمت بیست افغانی و به همین ترتیب چهار کیلو بادنجان را به پنج افغانی و چهار کیلو میوه های سردرختی را از اقسام آلو گرفته به بیست افغانی و گندم، برنج و غیره حبوبات را هم به ارزان ترین نرخ به بازار عرضه کردند که حتی پول کود و زحمت شبانه روزی شان را تأمین نکرد. اما، دلالان و تاجران محتکر و زالو صفت تمام محصول دهقانان را از نزد شان در یک حالت ناگزیری خیلی ارزان خریده و به قیمت بلند می فروشند.

در اکثر موارد این سرمایه های انباشته شده و سرمایه گذاری شده در اقتصاد سودآور زراعتی و مالداری نظیر فارم های زعفران، باغ های بزرگ انگور، گاو داری، زنبورداری، پبله وری، ماهی پروری و غیره در هرات و کل افغانستان؛ نه حاصل انباشت سرمایه صنعتی یا تجاری «صادراتی»، بلکه رشد یافته و انباشته شده از مجاری غیرمشروع و غیرشفاف فعالیت های دلالی - مافیائی، مافیائی به هر دو مفهوم فعالیت مافیائی در بخش سرمایه جرمی شامل (مواد مخدر، فحشاء و دلالی در بخش ارائه "خدمات خاص" انسانی به اربابان قدرت، مراکز نیرو های اشغالگر و سفارت خانه های دول غربی؛ قمار و اشکال مختلف قاچاق)؛ و مافیائی قدرت در شکل زورگویی، غصب، دلالی سرمایه مالی بیرونی، فعالیت های های تسلیم طلبانه "ان جی او - اکونومیستی" باند های تسلیم طلب و سودجوی بورژوا کمپرادور، احتکار، اخاذی، تقلب و فروش غیرقانونی سرمایه های منقول و غیرمنقول غصب شده، بوده است.

در صورت وجود یک نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر استقلال و حاکمیت ملی و اجتماعی مردم افغانستان، در بخش اقتصادی، همین سرمایه انباشته شده ناشی از فعالیت های مستقل پیشه وری، زراعتی، دام داری، صنعتی، و تجارتی (صادراتی) در چهارچوب سکتور های دولتی و خصوصی بومی؛ به طور منظم سالانه انباشت لازم سرمایه های انکشافی و سرمایه گذاری مجدد آن را تأمین و تضمین کرده و بخشی از انباشت صرف عرصه های خدمات

اجتماعی، فرهنگی، علمی، بهداشتی و تفریحی لازم برای بهزیستی زحمتکشان، کودکان و بزرگسالان شده و زیرساخت محکم اقتصادی را برای تضمین استقلال اقتصادی کشور و بی‌نیازی به سرمایه‌های غارتگر و وابسته‌ساز بیرونی، و هکذا زمینه را برای یک تعامل تجارتي متعادل با بقیه اقتصادهای جهان فراهم می‌کند. این مأمول تنها در یک نظام سیاسی - اقتصادی ملی - مردمی در افغانستان از مجرای یک انقلاب دموکراتیک و ملی ممکن است، نه حالا در افغانستان زیر سیطره چندین دولت و سازمان تراجگر امپریالیستی - ارتجاعی و نیروی مفسد، ستمگر، ضد ملی و تاریخاً وابسته به استعمار، ارتجاع و امپریالیسم مثل طالبان و پایگاه طبقاتی فنودال - کمپرادوری آن.

ادامه دارد